

بررسی تطبیقی مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابوعلی سینا و نظریه رشد روانی - جنسی زیگموند فروید

فضه فدایی^۱، هاجر ذبیحی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابن سینا و نظریه فروید تهیه شده است. پژوهش حاضر از نوع کیفی است که در گام نخست به معرفی هریک از این دو اندیشمند و روان شناس می پردازد و سپس مراحل رشد هر کدام را بیان می کند. در پایان، شباهت ها و تفاوت های این دو با هم بررسی و این نتیجه حاصل شده است که فروید و ابن سینا هردو مراحل رشد و تربیت کودک را به پنج مرحله تقسیم می کند و در مرحله اول به خوردن شیر مادر توسط کودک توجه ویژه ای دارند. فروید در مراحل رشدی که بیان می کند بسیار به اصل لذت تأکید دارد که در هر مرحله از رشد در یک قسمت متمرکز است در حالی که ابن سینا به جنبه های دیگر رشد کودک پرداخته و بر پدر و مادر تأکید می کند و اینکه در مرحله خردسالی مراقب شخصیت اخلاقی کودک باشند. همچنین هردو به دوره ای که کودک آمادگی آموزش را دارد تأکید دارند و معتقد هستند که کودک باید به مدرسه برود و آموزش ببیند.

واژگان کلیدی: رشد، مراحل رشد، اندیشمندان مسلمان، ابن سینا، فروید.

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت از مهمترین مسائلی است که تمام جوامع به آن اهتمام دارند و سعی می کنند در این مسئله موفق باشند. نوع دیدگاه دانشمندان جهان در هر مسئله ای با یکدیگر متفاوت

۱. دانش پژوه کارشناسی علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: fadaeyfezzeh@gmail.com

ORCID: 0000-0003-3048-386X

۲. مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zabihahajar@gmail.com

ORCID: 0000-0002-3594-025X

است؛ زیرا جهان بینی و ایدئولوژی آنها تفاوت دارد. مراحل رشد کودک نیز یکی از مسائل مهمی است که اندیشمندان درباره آن اظهار نظر کرده اند. آرای تربیتی ابن سینا در مورد تعلیم و تربیت جایگاه والایی دارد تاجایی که ادعا کرده اند او اولین کسی است که در میان دانشمندان مسلمان درباره تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است و به طور جامع تر به مسئله تربیت کودک و اصول تعلیم و تربیت و مراحل رشد کودک پرداخته و کتاب تدبیر المنزل را نگاشته است. در بین روان شناسان، زیگموند فروید برای مراحل کودکی اهتمام زیادی قائل است و مراحل رشد کودک را بررسی کرده است. بررسی دیدگاه اندیشمندان مسلمان و روان شناسان در شناخت تشابهات و تمایزات، اندیشمندان اسلامی و غربی جامعه علمی را با باورهای بنیادین در نگرش این دو گروه آشنا می کند.

آثاری در این زمینه چاپ شده است مانند مقاله بررسی آرای تربیتی ابن سینا در مورد اهداف تعلیم و تربیت. این مقاله، هدف ابن سینا در آموزش و پرورش را سعادت واقعی یعنی، قرب الهی می داند که شامل رشد کلی فرد یا تربیت تمام ابعاد وجودی انسان است. (غفاری، ۱۳۹۵) در پایان نامه بررسی تطبیقی مجموعه دیدگاه ها و آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان (غزالی، ابن سینا، مطهری) و تحلیل و کاربرد آنها بر فعالیت های معلمان و مربیان کشور ایران آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان به صورت تطبیقی بررسی شده است (افضلی، ۱۳۸۹). مقاله مراحل تعلیم و تربیت در اسلام از نظر ابن سینا مراحل رشد و تربیت را بررسی کرده است (احمدپوری، ۱۳۹۶). در هیچ یک از این مقالات به طور تطبیقی با دیدگاه روان شناسان غربی این مسئله بررسی نشده است. مقاله حاضر درصدد بیان مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابن سینا اندیشمند مسلمان و زیگموند فروید است و به بیان شباهت ها و تفاوت های این دو در زمینه مراحل رشد و تربیت می پردازد.

هدف از پژوهش حاضر آشنایی با مراحل رشد و تربیت دو اندیشمند اسلامی و غربی است. از آنجاکه فروید از مکتب غرب است، پس بحث اخلاق و تربیت در نگاه او با نگاه ابن سینا متفاوت

است و در دیدگاه اسلام اخلاق و تربیت بسیار پررنگ‌تر است، ولی نگاه فروید نگاه سکولار است. پژوهش حاضر باروش کیفی، توصیفی-تحلیلی، مراحل رشد را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. رشد در لغت

واژه رشد در فرهنگ فارسی عمید به معنای به راه راست شدن، از گمراهی به راه آمدن، پایداری و ایستادگی در راه راست و نمو و ترقی و بالیدگی آمده است. رشید نیز به معنای دارای رشد، هادی و دلیر است. (عمید، ۱۳۸۸، ۶۵۲)

۲-۲. رشد از دیدگاه تعلیم و تربیت

همان‌گونه که کودک از نظر طولی و عرضی رشد می‌کند از نظر عقلی، عاطفی و اجتماعی نیز رشد می‌کند. پس از تولد رشد بدنی تا زمان معینی ادامه پیدا می‌کند، اما رشد روانی تا پایان زندگی انسان ادامه دارد. در تفاوت این واژه‌ها گفته شده که یکی به معنای رشد طبیعی است و با نمو جسمی و عصبی کودک سر و کار دارد و دیگری رشد محیطی و دریافت‌هایی است که فرد در نتیجه یادگیری از محیط خود به دست می‌آورد و شامل جنبه‌های گوناگون رشد عقلی، هیجانی یا عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و هنری است. (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۲۷) رشد در روان‌شناسی تغییراتی است که با پیشرفت همراه باشد و از طرح و هدف مشخصی پیروی کند (شریعتمداری، ۱۳۹۰، ص ۱۳). روان‌شناسان، جنبه‌های عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و بدنی را برای رشد در نظر می‌گیرند، اما بعد الهی یا معنوی شخصیت انسان کمتر مورد توجه مربیان غیردینی است. در حیطه تعلیم و تربیت نیز براساس مبانی انسان‌شناختی در این مورد نظریاتی بیان شده است (رسولیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۰۵).

۲-۳. معنای رشد براساس آیات و روایات

رشد در قرآن به معنای توسعه و نمو جسمی نیست، بلکه به رشد و کمال در حوزه فکری، شناختی و معنوی انسان اشاره می‌کند که قله آن حق‌پرستی و الزامات مربوط به آن است. برای نمونه در

آیه «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانُ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ: خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل هایتان زینت بخشیده و کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است و کسانی که دارای این صفاتند رشد یافتگانند» (حجرات: ۷) رشد، معنوی قلمداد شده است. در آیه «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ؛ ای قوم مرا پیروی کنید تا شما را به راه رشد هدایت کنم. همانا این زندگی دنیا متاعی است و خانه آخرت خانه قرار و دائمی است» (غافر: ۳۹) در اینجا هم رشد در تشخیص جایگاه دنیا از آخرت است. ایمان به ناپایداری دنیا و پایداری آخرت زمینه سعادت و رشد است (قرائتی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۶). می توان گفت رشد از دیدگاه اسلامی نه مانند رشد گل و گیاه است (براساس نظریه فروبل) و نه رشدی است که تابع صرف بازسازی تجربه باشد (براساس دیدگاه جان دیویی)، بلکه رشدی است برای اهداف متعالی و به سمت کمال حقیقی که با فعل اختیاری و انتخابی انسان به دست می آید. کمال حقیقی انسان این است که به خالق خود نزدیک شود (کاردان و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۳۶۶).

برخلاف نظر روان شناسان که رشد را دگرگونی هایی می دانند که بنا به ویژگی و استعداد ذاتی موجود زنده و با تأثیر عوامل خارجی بی اینکه خود موجود در این راه کوشش کند در او به وجود می آید و با پیشرفت زمان حادث می شود (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۲۶) رشد مورد نظر قرآن اگرچه با استعدادها و آمادگی فرد ارتباط دارد به طور قطع، نیازمند تلاش ها و مجاهدت آگاهانه و ارادی انسان است و با کسب یقین و استقامت در راه حق پیوستگی دارد (رسولیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۰۷). انسان از دیدگاه اسلام موجودی در حال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره های مشخصی عبور می کند. خداوند در آیه ۶۷ سوره غافر می فرماید: «اوست خدایی که شما را از خاک ناچیز بیافرید و سپس از قطره آب و آن گاه از خون بسته، پس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و باز پیر و سالخورده شوید و برخی از شما پیش از سن پیری وفات کنید و همه به اجل معین خود. تا مگر قدرت خدا را تعقل کنید». رشد در اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته و مطالب مربوط به آن در آیات و روایات متعدد بیان شده

است. رشد در قرآن کریم با معانی متعددی مطرح شده است که به اختصار به چند مورد اشاره می‌شود. رشد به معنای یافتن راه صحیح و راهنمایی انسان به سوی خداوند است. مسیر رشد همان مسیر تقرب بر خداست که با شکفتن استعداد های انسان او را در راه کمال قرار می‌دهد. معنی دیگر رشد، خردمندی و قوه تشخیص است که بدان وسیله انسان مسئولیت کارهایش را در زمینه های متعددی پذیرا می‌شود. تربیت یعنی، افزودن و زیاد شدن. معنی سوم رشد است. رشد به معنی ترکیه یعنی، زدودن درون انسان از آلودگی ها نیز به کار رفته است (بهمنش، ۱۳۹۰). از دیدگاه روان شناسی، رشد به معنای بررسی جریان تحولات و تغییرات در فرایند رشد زیستی، آثار محیطی و چگونگی شکل گیری و ازبین بردن آنها در مسیر زندگی است. این فرایند از آغاز تشکیل نطفه انسان تا کهنسالی ادامه دارد و مهارت هایی مانند مهارت های حرکتی، رفتار اجتماعی و توانایی شناختی و شخصیتی را شامل می‌شود. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳) با این مقدمات مشخص می‌شود که ریشه های رشد از دیدگاه اسلام که نظر ابن سیناست قوی تر از پایه های دیدگاه روان شناسان غربی است.

۳. نگاهی گذرا به زندگینامه ابوعلی سینا

ابوعلی سینا که نام کامل او حسین بن عبدالله بن علی بن سینا و ملقب به شیخ الرئیس است در مکانی از توابع شهر بخارا به دنیا آمد. در سیر مطالعه زندگی وی به برکت شرح حالی که خود او برای یکی از شاگردانش بیان کرده است اطلاعات کافی در مورد چگونگی شروع تحصیل و آموزش او در دوران جوانی و نوجوانی وجود دارد. او به قول خودش تا ده سالگی، قرآن و بسیاری از علوم ادب را آموخته بود و مردم از او در تعجب بودند. (دیباچی، ۱۳۶۴، ص ۳۵) وی تا پیش از آنکه نزد استاد معتبری شاگردی کند بسیاری از علوم دیگر مانند هندسه و فقه را نیز به طور مختصر یاد گرفته بود. وقتی ابو عبدالله ناتلی که به فلسفه دانی مشهور بود به بخارا آمد پدرش او را نزد وی گذاشت تا منطق بیاموزد. استاد از نبوغ فراوان شاگرد در حیرت ماند و دانشمند جوان مقدمات منطق و برخی کتاب های اقلیدس را در محضر ناتلی درس گرفت. پس از مدتی ناتلی بخارا را ترک

کرد و شاگردش به تنهایی شروع به مطالعه کتاب‌های علمی و شروح آنها کرد. او در این مدت شب‌ها و روزها مطالعه می‌کرد و کتاب‌های ارسطو و بطلمیوس را به خوبی خواند و تا آنجا پیش رفت که به قول خودش درهای دانش به رویش گشوده شد (مجتبایی، ۱۳۵۶، ۷۰/۴). او خودش مراحل بعد تحصیلش را این‌گونه توصیف می‌کند: «سپس به علم طب راغب شدم و کتاب‌های تصنیف شده در آن فن را خواندم و علم طب از دانش‌های دشوار نیست، پس در کمترین مدت آن را فراگرفتم به نحوی که فاضلان این فن پیش من طب می‌خواندند» (حلبی، ۱۳۶۱، ص ۱۹۸).

از این زمان به بعد ابوعلی سینا طبیب حاذقی شد که به علاج بیماران می‌پرداخت و در این راه شهرت فراوانی پیدا کرد. این شهرت باعث شد برای درمان نوح بن منصور سامانی که حاکم بخارا بود و به بیماری صعب‌العلاجی دچار شده بود به دربار فراخوانده شود و او در ازای درمان حاکم از او درخواست کرد که اجازه داشته باشد از کتابخانه دربار استفاده کند. در اثر مطالعه کتاب‌های نایاب و گران‌قیمتی که در کتابخانه دربار وجود داشت ابن سینا توانست تسلط خود را در بیشتر علوم کامل کند و این درحالی بود که هنوز هیجده سال بیش نداشت و در ابتدای راه زندگی بود. (نعمه، ۱۳۶۷، ص ۱۵۰) اوضاع بر همین منوال می‌گذشت تا آنکه پدرش از دنیا رفت و او مجبور شد به جای پدر وارد دستگاه حکومتی شود. دیری نپایید که نوح بن منصور نیز درگذشت و پسرش برجای وی به حکومت رسید. ابن سینا دیگر نتوانست در دستگاه اداری حکومت باقی بماند و عزم سفر کرد و به سمت حکومت خوارزمشاه در گرگانج حرکت کرد. از این به بعد ابن سینا زندگی بسیار سخت و پرفراز و نشیبی داشت و به جز مدتی در پایان عمرش دیگر نتوانست آن فراغت لازم را که دانشمندان برای مطالعه و تحقیق بدان نیاز دارند به دست آورد. او بیشتر عمر خود را در مسافرت‌های طولانی از شهری به شهر دیگر و از حکومتی به ولایتی دیگر گذراند و حوادث گوناگونی را از سرگردانی در کویر و گم شدن در بیابان گرفته تا سکنی گزیدن در روستایی دور افتاده و رسیدن به وزارت سلطان و زندگی در دربار تجربه کرد. او حتی متهم به خیانت در وزارت شد و حبس در زندان حکومت را نیز تجربه کرد، سپس مخفیانه از زندان گریخت و با لباس ناشناس به سمت حکومتی دیگر در اصفهان روانه شد. جنگ‌ها و صلح‌های فراوانی را



دید و در گرفتاری‌های سیاسی و اجتماعی متفاوتی زندگی کرد و در تمام این مدت به برکت شهرتی که بیشتر در علم طب داشت امرار معاش و گذران زندگی می‌کرد.

شیخ الرئیس در تمام این مدت هرگز دست از تلاش و کوشش علمی نکشید و بیشتر کتاب‌هایی که نوشته و شاگردانی که تربیت کرده مربوط به همین دوران است. او حتی برخی از رسائلش را در زندان به رشته تحریر درآورد. ابوعبید جوزجانی، شاگردش شرایط کارهای علمی او را در زمان وزارت این‌گونه توصیف می‌کند: «در این ایام هر شب طالبان علم در خانه او گردمی‌آمدند و من نزد او کتاب شفا می‌خواندم و دیگر کتاب قانون را می‌خواند. تدریس هم شب‌ها صورت می‌گرفت؛ زیرا شیخ روزها کار وزارت و دیوانی داشت» (حلبی، ۱۳۶۱، ص ۲۰۱). سرانجام این حکیم دانشمند پس تحمل سختی‌های فراوان و مجاهدت‌های علمی بسیار که ثمره آن تاکنون در عالم اسلام نمایان است در سال ۴۲۸ هجری قمری درحالی که ملازم علاءالدوله بود و به سمت اصفهان بازمی‌گشت در شهر همدان جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

۴. نگاهی گذرا به زندگینامه زیگموند فروید

زیگموند فروید^۱ پزشک و روان‌شناس معروف آطریستی در سال ۱۸۵۶ در فرای بورک اتریش به دنیا آمد. در سال ۱۸۸۱ به اخذ دکترای پزشکی نائل آمد و باوجود انجام کارهای پزشکی در بیمارستان‌ها و مطب خصوصی خود به تحقیقات در عصب‌شناسی پرداخت. در سال ۱۹۳۹ پس از آنکه بر اثر فشار نازی‌های آلمان به انگلستان مهاجرت کرده بود در لندن درگذشت. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۳).

۵. مراحل رشد از دیدگاه فروید

- مرحله دهانی (از تولد تا ۱۸ ماهگی)
- مرحله مقعدی (۱ تا ۳ سال)

- مرحله فالیک (۳ تا ۶ سال)

- مرحله نهفتگی (۶ سال تا بلوغ)

- مرحله تناسلی (بلوغ تا بزرگسالی)

۶. رشد روانی جنسی از نظر فروید

فروید معتقد است که رشد شخصیت کودک که به نظر او از آغاز تولد شروع می‌شود در حدود ۵-۶ سالگی بیشترین اهمیت را پیدا می‌کند. این رشد در سنین حدود ۱۴ سالگی کامل می‌شود. در طی این دوران رشد، انرژی روانی لیبیدو در مراحل مختلف در نقاط مختلف بدن کودک تمرکز پیدا می‌کند و بر همین اساس لذت کودک در هر مرحله متمرکز بر ناحیه ویژه‌ای از بدن اوست.

۶-۱. مرحله دهانی (تولد تا ۱۸ ماهگی)

در مرحله اول رشد روانی-جنسی، تمرکز انرژی لذت بخش در لب‌ها و دهان کودک است. نوزاد وقتی دچار گرسنگی می‌شود با مکیدن پستان مادر یا پستانک بطری احساس لذت می‌کند چون به کار انداختن لب و دهان و رفع گرسنگی و کسب لذت و خوشی تکرار می‌شود کودک یاد می‌گیرد که برای تجدید این لذت حتی وقتی سیر است یا غذایی وجود ندارد هرچیزی از جمله انگشتان را به دهان ببرد و بمکد. در این مرحله اعمال و رفتار کودک به طور عمده تابع اصل لذت است؛ یعنی جست‌وجوی لذت و گریز از دردها تنها هدف زندگی نوزاد است. از ویژگی‌های مهم این دوره، یکی همبستگی شدید به مادر و احساس اتکا به دیگران است. کسی که در این مرحله به اندازه کافی ارضا نشده باشد و در آن باقی بماند (به اصطلاح خود فروید تثبیت می‌شود) یا بعدها به اندازه بازگشت کند مانند کودکان خردسال نیاز مسری به پشتیبانی و حمایت دیگران دارد و تمایل او به گرفتن و دریافت بیش از بخشیدن به دیگران است. گفته شده است که علاقه زیاد به حرف زدن (شهوة کلام) و اعتیاداتی مانند سیگار کشیدن و آدامس جویدن نیز جلوه‌هایی از تثبیت در مرحله دهانی هستند. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۷)

والدینی که بسیار محروم‌کننده یا بی‌اندازه نوازشگر هستند، می‌توانند گذشتن کودک از مرحله دهانی به مرحله بعدی را دشوار کنند. کودک در اثر محرومیت ممکن است در مرحله دهانی تثبیت شود. انرژی‌ها بیشتر به سمت کسب ارضای دهانی هدایت می‌شوند که در دوران کودکی به اندازه کافی برآورده نشده‌اند. نوازش افراطی هم می‌تواند کودک را در مرحله دهانی تثبیت کند، ولی انرژی‌ها به سمت تداوم و حفظ شرایط ارضاکننده هدایت می‌شوند. تثبیت ناشی از محرومیت یا ارضای بیش‌ازحد باعث رشد شخصیت دهانی با صفات دوقطبی زیر می‌شود: خوش‌بینی - بدبینی، ساده‌لوحی - بدگمانی، ازخودراضی بودن - خودخوارشمی، دستکاری کردن - بی‌تفاوتی و تحسین - رشک. (جیمز اوو جان، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

۶-۲. مرحله مقعدی (از ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی)

در این مرحله دفع مواد زائد جنبه لذت‌بخش پیدا می‌کند و در نتیجه منطقه لذت به ناحیه مقعد منتقل می‌شود. در این مرحله کودک علاوه بر دفع از نگه داشتن مدفوع نیز لذت می‌برد. از خصوصیات روانی این مرحله یکی این است که اگر کودک عمل دفع را در زمان و مکان نامناسب انجام دهد و ازسوی مادر مورد عتاب و سرزنش قرار گیرد ممکن است آدمی لجوج، تندخو، بی‌شرم و خراب‌کار از کار درآید. برعکس اگر برخورد مادر با این عمل ملایم و توأم با مهربانی باشد این عمل از دید او اهمیت فراوانی پیدا می‌کند و همین اندیشه می‌تواند در او منشأ سازندگی و خلاقیت شود. کسانی که در این مرحله تثبیت می‌شوند افرادی خسیس و لئیم‌بارمی‌آیند که نمی‌خواهند چیزی از خود پس بدهند. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۸)

۶-۳. مرحله تناسلی (۴-۶ سالگی)

در این مرحله ناحیه لذت‌بخش به اعضای تناسلی منتقل می‌شود و در صورت عادی بودن، شخصیت برای همیشه در آنجا باقی می‌ماند. علاقه کودک به دیگران بیشتر به دلیل لذت تماس است. کودک همچنین از لمس آلت تناسلی خود لذت می‌برد و آن را از نظر احساس لذت از نقاط دیگر بدن خود حساس‌تر می‌یابد و به همراه این لذت بردن تصورات و خیال‌بافی‌هایی می‌کند

که موجب تمایل او نسبت به افراد خانواده و ظهور عقده اودپ در پسران و عقده الکتر در دختران می‌شود. این عقده‌ها در اواخر این دوره حل می‌شوند و کودک به مرحله بعدی گام می‌گذارد. به عقیده فروید، کودک در این مرحله نسبت به والد غیرهمجنس خود احساس تمایل می‌کند و از والد همجنس خود متنفر می‌شود؛ زیرا متوجه می‌شود که والد همجنس مقدار زیادی از محبت والد غیرهمجنس را به خود اختصاص داده است. این احساس بدبینی نسبت به پدر و مادر از نظر اجتماعی نامقبول است و در کودک بیم و خطر قطع آلت به وسیله والد همجنس ایجاد می‌شود که فروید آن را عقده اختگی خوانده است. کودک برای حل این عقده با والد همجنس همانندسازی می‌کند و سعی می‌کند مانند او شود و به این شیوه بعدها مرد یا زن دیگری را جانشین پدر و مادر خود کرده و به او دلبستگی پیدا می‌کند. با این همانندسازی، نگرانی و اضطراب کودک از بین می‌رود و بدین شیوه به مراحل بعدی رشد و تحول شخصیت خود قدم می‌گذارد. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۸)

۴-۶. دوره پنهانی یا کمون (۶ تا ۱۲)

این دوره از این نظر دوره کمون نام‌گذاری شده است که طی آن امیال جنسی و پرخاشگرانه کودک فروکش کرده و و پنهان می‌شوند و درمقابل، رشد هوشی، اخلاقی و اجتماعی کودک توسعه بیشتری می‌یابد. این دوره برای تعلیم و تربیت کودک مناسب است و وی می‌تواند به یادگیری مطالب و مهارت‌های تازه مانند خواندن، نوشتن و آموختن آداب و رسوم و اخلاق اجتماعی نائل آید. چنان‌که کودکی عقده ادیپ را به سلامت پشت سر گذاشته باشد و با والد همجنس خود رابطه مثبتی برقرار کرده باشد استعداد کافی برای رقابت با دیگران کسب کرده و قادر خواهد بود با پیروزی و شکست به شکل واقع‌بینانه روبه‌رو شود. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۹)

۵-۶. دوره جنسی یا شهوی

این دوره که از سن ۱۲ تا ۱۴ سالگی آغاز می‌شود با افزایش ترشح و فعالیت غدد داخلی مشخص می‌شود و همین ترشحات سبب ظهور خصوصیات ثانوی جنسی در نوجوان می‌شود. واضح

است که کامل شدن رشد روانی جنسی مستلزم آن است که این دوره به تطابق مطلوب جنسی با جنس مخالف منتهی شود. در این دوره خواهش‌های جنسی که ناشی از نهاد هستند شدت ویژه‌ای پیدا می‌کنند و این تمایل نخست جنبه خودشیفتگی دارد و بعد گرایش به همجنس دوستی پیدا می‌شود و بالاخره به تمایل جنس مخالف تبدیل می‌شود. رسیدن به تمایل به جنس مخالف نشانه کمال رشد جنسی روانی و علامت کامل شدن شخصیت فرد است. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۸۰)

۷. مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابن سینا

ابن سینا اولین کسی است که در میان دانشمندان مسلمان درباره تعلیم و تربیت اظهارنظر کرده و تعلیم و تربیت را به صورت جامع‌تر نگریسته است. ابن سینا در کتاب قانون دوران رشد یعنی، زادن تا ۳۰ سالگی را به پنج مرحله تقسیم می‌کند.

۷-۱. مرحله نوزادی تا دو سالگی

بوعلی در شرح این مرحله بیشتر به بهداشت و تغذیه نوزاد اشاره دارد و برای رشد بهتر فرزند توصیه‌هایی درباره شیر مادر و شیر جایگزین عرضه بیان می‌کند. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۸) وی در این مرحله سخن از تربیت را از دوران جنینی آغاز می‌کند. از آنجاکه ابن سینا دانای به طب بوده است موضوعات تربیتی را جدای از تربیت جسمانی کودک نمی‌داند. او در بخش تربیت کودک چهار فصل می‌گشاید که به ترتیب از نگهداری نوزاد هنگام تولد، آداب شیر دادن و تغذیه نوزاد و انتخاب دایه، بیماری‌های کودکان و بالاخره از پرورش خردسالان صحبت می‌کند (احمدپوری، ۱۳۹۶، ص ۱). ابن سینا درباره تغذیه نوزاد پیشنهاد می‌کند از شیر مادر استفاده شود و نیز در تغذیه نوزاد و کودک باید مراقب بود به پرخوری عادت نکند. وی استفاده از شیر دایه را برای جایگزین شیر مادر روا می‌داند، ولی تأکید می‌کند دایه باید سن مناسب، شکل و هیئت سازوار و خلیات پسندیده داشته باشد و شیرش خوب باشد (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲).



۷-۲. مرحله خردسالی (حدود دو تا شش سالگی)

این مرحله با از شیر گرفتن فرزند آغاز می‌شود و تا آغاز آموزش رسمی در مکتب یعنی، شش سالگی ادامه می‌یابد. بوعلی توصیه می‌کند والدین در این مرحله از رشد مراقب شکل‌گیری شخصیت اخلاقی فرزند باشند تا به عادات بد اخلاقی و رفتاری گرفتار نشود. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۸) پس از بازگیری از شیر مادر، بوعلی پس از ذکر اینکه حق فرزند بر پدر پس از تولد، نام نیکو بر وی نهادن و انتخاب دایه واجد شرایط است، می‌گوید: «فاذا فطم الصبی عن الرضاع بدأ بتأدبیه و ریاضة اخلاقه. فینبغی لقیم الصبی ان یجتنبه مقابح الافعال، و ینکب عنه معایب العادات بالترهیب و الترغیب، والایناس و الایحاش، و بالاعراض و الاقبال؛ پس از بازگیری کودک از شیر، مربی باید تأدیب و بهسازی اخلاق کودک را آغاز کند». بنابراین، شایسته است که سرپرست کودک وی را از کارهای زشت بازدارد و با ترساندن یا تشویق، ایجاد انس یا نامأنوس کردن و روگرداندن یا توجه به او عادت‌های زشت را از وی دور کند. بدین ترتیب از تربیت دو سالگی آغاز می‌شود (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶). ابن سینا برای پرورش صحیح خردسالان چهار توصیه دارد که عبارتند از: اعتدال در رفتار و اخلاق (باید کودک را از اختلالات عصبی و روحی حفظ کرد و آنچه می‌خواهد در اختیارش گذاشت و او را از چیزهای نفرت‌زا دور کرد. در این حالت از کودک کزخلقی و بدرفتاری سر نمی‌زند)؛ داشتن برنامه صحیح غذایی و خواب و استحمام معتدل؛ عدم اجباری بودن تعلیم و رفتن به مدرسه در سن ۶ سالگی؛ استفاده از نوشیدنی‌های سالم (احمدپوری، ۱۳۹۶، ص ۱).

در این مرحله ابن سینا به تربیت جسمی کودک توجه دارد. وی درباره بازی کودک می‌گوید: «چون از خواب برخیزد، استحمام کند و اندکی به بازی بپردازد. آن‌گاه غذا بخورد و بعد دوباره به بازی مشغول شود، اما این بار بیش از بار اول بازی کند. بعد دوباره استحمام کند و غذا بخورد». وی معتقد است بازی و ورزش کودک باید به تدریج کاهش پذیرد و ورزش در خردسالی و نوجوانی باید معتدل و دور از افراط و تفریط باشد. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲)

۷-۳. مرحله کودکی (از زمان رویش دندان‌های دائمی تا پیش از بلوغ)

ابن سینا این مرحله را دوره آموزش کودک در مکتب می‌داند. از این رو، پیشنهاد می‌کند فرزند را به مکتب بفرستند تا در جمع دیگر بچه‌ها آموزش ببیند. بوعلی به اهمیت بازی برای کودک در این مرحله اشاره کرده است. ابن سینا سن تعلیم مدرسه‌ای را منوط به محکم شدن مفاصل کودک و تسلط بر عضلات و قوای جسمانی خود می‌داند که پس از ۵ سالگی اتفاق می‌افتد. وی در کتاب قانون سن مناسب آغاز تعلیم در مدرسه را ۶ سال ذکر کرده است. ابن سینا آموزش گروهی را بر آموزش خصوصی ترجیح می‌دهد. در آموزش جمعی میان نوآموزان رقابت و گفت‌وگوی علمی صورت می‌گیرد و کودکان آداب اجتماعی را می‌آموزند و این موجب فزونی علم و عقل آنها می‌شود، ولی در آموزش خصوصی و فردی، شاگرد و معلم هردو ملول و خسته می‌شوند. (ابن سینا، ۱۳۱۹، ص ۴۵) شیخ الرئیس در مورد شش سالگی می‌فرماید: «فاذا اشتدت مفاصل الصبی و استول لسانه و تهيأ للتلقين و وعى سمعه اخذ فى تعلم القرآن و صورت له حروف الهجاء و لقن معالم الدين و ينبغى ان يروى الصبى الرجز ثم القصيده؛ پس از رشد مفاصل بدنی، آمادگی زبانی، تلقین‌پذیری و رشد شنوایی باید به تعلم قرآن پردازد و حروف الفبا به صورت نوشتاری به وی آموخته شود و معارف دینی به او تلقین شود» (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).

۷-۴. مرحله نوجوانی

این مرحله یعنی، دوران بلوغ و ظاهر شدن جوش در صورت. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹) از نگاه بوعلی در این مرحله فرزند به مرحله آموزش تخصصی گام می‌نهد و رفته‌رفته برای مشارکت در زندگی اجتماعی و فعالیت شغلی و تشکیل خانواده آماده می‌شود. وقتی که کودک در مدرسه آموزش‌های ابتدایی دید و به سن بلوغ رسید می‌تواند صنعت و حرفه‌ای بیاموزد و پس از آن زندگی مستقل خود را آغاز کند. شایسته است که نوجوان براساس ذوق و طبع خود هنر و حرفه‌ای فراگیرد. رعایت عامل محیط و وراثت و رعایت تفاوت‌های فردی در انتخاب شغل و حرفه مورد توجه ابن سینا بوده است. افراد کندذهن و استثنائی نباید در جامعه رها شوند و بی‌کار بمانند، بلکه باید تعلیم داده شوند. ابن سینا در آموزش و پرورش عقاید خاصی دارد که می‌توان

آنها را چنین خلاصه کرد: همین که کودک آماده یادگیری شد باید قرآن و حروف الفبا را به او آموخت. سپس آموزش شعر را آغاز کرد و او اشعاری را باید حفظ کند که در تعریف علم و تقبیح جهل سروده شده‌اند و کودک را به نیکی بر والدین، اعمال نیک و مهمان نوازی برمی‌انگیزد.

به نظر ابن سینا کودک علاوه بر یادگیری علوم مختلف باید حرفه‌ها و فنون گوناگون را هم یاد بگیرد تا بتواند معاش خود را تأمین کند. ابن سینا به تربیت اخلاقی بیشتر توجه دارد و تربیت دینی را برای موفقیت در تربیت اخلاقی لازم می‌داند. منظور او از تربیت اخلاقی بارآوردن مردان و زنانی است که عفیف و با اراده قوی باشند، فضیلت را دوست بدارند و در کارها و اعمالشان رضایت خدا را در نظر بگیرند. ابن سینا تربیت اجتماعی کودک را هم توصیه می‌کند و می‌گوید امکان و فرصت گرد هم آمدن کودکان را بیشتر و وسیع‌تر کنید تا ایشان بتوانند زندگی اجتماعی را بیاموزند. تا می‌توانید با کودکان بیشتر حرف بزنید که این موجب رشد ذهنی ایشان می‌شود. ابوعلی سینا از فیلسوفان و مسلمانی است که به حکمت عملی پرداخته و درباره تدبیر منزل که به سازمان خانواده اشاره دارد، پرداخته است. (احمدپوری، ۱۳۹۶، ص ۳) پس از آموزش‌های ابتدایی در این مرحله نیز سن دقیق تعیین نشده است، اما فرض بر این است که مواد آموزشی مرحله قبل گذرانده شده است. در این زمینه چنین می‌گوید: «و اذا فرغ الصبی من تعلم القرآن و حفظ اصول اللغة، نظر عند ذلک الی ما یراد ان تکن صناعته فوجه لطریقه؛ پس از فراغت کودک از فراگیری قرآن و حفظ لغات، مربی (باتوجه به ویژگی‌های شخصی و ذوق و استعداد بیندیشد که در چه کار، صنعت و رشته خاصی باید قرار داده شود و براساس آن برنامه آموزشی متناسب با آن را طراحی کند (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).

۷-۵. مرحله جوانی (از بلوغ تا سی‌سالگی)

از نگاه بوعلی در این مرحله، فرزند به مرحله آموزش تخصصی گام می‌نهد و رفته‌رفته برای مشارکت در زندگی اجتماعی، فعالیت شغلی و تشکیل خانواده آماده می‌شود. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹) پس از اشتغال و استقلال در مرحله آخر، هنگامی که جوانی ورزیده، مجرب و از نظر اقتصادی مستقل شد زندگی و کانون مستقل خانوادگی برایش تشکیل می‌شود. بوعلی می‌گوید:

«فاذا كسب الصبی بصناعته فمن التدبیر ان یزوج و یفرد رحله لئلا تتلاعب به الشهوات؛ درنهایت هنگامی که جوان از طریق اشتغال خویش درآمد کافی به دست آورد باید برای او همسری زاهد و زندگی مستقلی برایش آماده نماید تا در دامن شهوت‌ها نیفتد» (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).

ابن سینا تأکید می‌کند که در برنامه‌ریزی آموزشی، مراحل گوناگون را باید مراعات کرد. برای مثال در خردسالی، بازی باعث خلاقیت و نوآوری کودکان می‌شود یا خستگی کودکان با بازی رفع می‌شود. بنابراین، استفاده از برنامه‌ریزی محاسبه‌شده برای سن کودک یا توجه به مراحل سنی کودک در برنامه‌ریزی از اهداف و برنامه برای تعلیم و تربیت است. (به نقل از شلبی، ۱۳۶۱) ابن سینا با وجود اینکه توصیه‌های زیادی در تعلیم و تربیت کودکان دارد به سه برنامه توجه بیشتری نشان می‌دهد که عبارتند از: آموزش قرآن و مبانی دینی، آموزش اصول و قواعد زبان و آموزش هنر و صنعت (کاهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳).

۸. تربیت جنسی از دیدگاه ابن سینا

از نظر ابن سینا نیاز جنسی باید پاسخ داده شود، اما از نگاه او راه منحصر به فرد این پاسخ‌گویی ازدواج است. از این رو، وی هر نوع فعالیت جنسی دیگر را ممنوع می‌داند؛ زیرا به پرهیز از ازدواج و تشکیل خانواده که ستون خیمه جامعه و مهمترین نهاد آن است، می‌انجامد. وی از حکمت‌های حرمت فعالیت‌های جنسی خارج از چارچوب خانواده را همین امور می‌داند. بوعلی در واکاوی تربیت جنسی به لزوم تشویق و ترغیب افراد به ازدواج رسمی، علنی بودن ازدواج، تلاش برای استمرار خانواده تشکیل شده، سن ازدواج، ناروایی تعداد شوهر و روایی تعداد زن می‌پردازد. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳)

۹. نتیجه‌گیری

امروزه هرگونه اصلاحات آموزشی، متکی بر آراء و اندیشه فلاسفه تربیتی است. در ایران به دلیل نفوذ و غلبه اسلام در ساحت اندیشه و حیات مردم، سخن گفتن از نسبت میان اسلام و تعلیم و تربیت اهمیت یافته است و اسلام برای تعلیم و تربیت اهمیت قائل شده است. تربیت فقط منحصر به

مسلمانان نیست، بلکه هر جامعه و فرهنگی به این مسئله توجه ویژه دارد. مقاله حاضر باروش تطبیقی دو اندیشمند مسلمان و غیرمسلمان یعنی، ابن سینا و زیگموند فروید را با هم مقایسه کرده است. فروید و ابن سینا هر دو مراحل رشد و تربیت کودک را پنج مرحله می‌دانند. در مرحله اول به خوردن شیر مادر توسط کودک توجه ویژه‌ای شده است که هم در تربیت کودک تأثیر دارد و هم احساس لذت می‌کند. همان طور که ابن سینا بیان می‌دارد که در تغذیه کودک باید مراقب بود که از پرخوری پرهیز شود تا در آینده این عادت در کودک ایجاد نشود. فروید هم معتقد است که ارضای بیش‌ازحد در مرحله دهانی باعث می‌شود که کودک در این مرحله بماند و نابهنجاری‌هایی مثل سیگار کشیدن در آینده داشته باشد.

فروید در مراحل رشدی، بسیار به اصل لذت تأکید دارد که در هر مرحله از رشد در یک قسمت متمرکز است درحالی که ابن سینا به جنبه‌های دیگر رشد کودک پرداخته و بر پدر و مادر تأکید می‌کند که در مرحله خردسالی مراقب شخصیت اخلاقی کودک باشند؛ زیرا در این مرحله شخصیت کودک شکل می‌گیرد و ملاحظه کنند تا به عادات بد اخلاقی و رفتاری گرفتار نشود. هر دو اندیشمند به دوره‌ای که کودک آمادگی آموزش را دارد تأکید دارند و معتقد هستند که کودک باید به مدرسه برود و آموزش ببیند؛ زیرا در این سن انرژی کودک به سمت رشد مهارت‌های جدید و کسب دانش جدید هدایت می‌شود و بازی تا حد زیادی محدود به سایر کودکان همجنس می‌شود. ابن سینا آموزش گروهی را بر آموزش فردی ترجیح می‌دهد و معتقد است در آموزش گروهی کودک در محیط آموزشی گروهی ادب می‌آموزد و موجب برانگیختن حس رقابت میان شاگردان می‌شود و به رشد و پرورش ذهنی کودک یاری می‌رساند و زمینه بازی با همسالان و ارتباط با آنان را که از نیازهای روحی کودک است، فراهم می‌کند. این آموزش‌ها به زمینه تعیین آینده کودک و کسب مهارت می‌انجامد که می‌توانند به وسیله آن شغل خود را پیدا کند و به دنبال آن برود. ابن سینا برخلاف فروید که تمام مراحل تربیت را بر مسئله جنسی متمرکز کرده است به جنبه‌های دیگر پرداخته و برای ارضای نیاز جنسی راهی جز ازدواج نمی‌بیند و معتقد است کسب

مهارت و شغل، زمینه مناسب برای ارضای این مسئله است و این دیدگاه برمی گردد به پایه ها و ستون های محکم اسلام که با توجه به آن می توان یک تربیت صحیح داشت.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۱۹). ابن سینا و تدبیر منزل. مترجم: نجمی زنجانی، محمد. تهران: انتشارات مجمع ناشر کتاب.
۲. احمدپوری، یونس.، و احمدپوری، سید میثم (۱۳۹۶). مراحل تعلیم و تربیت در اسلام از نظر ابن سینا. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و رفتاری. مشهد: دانشگاه تربت حیدریه.
۳. افضل، لیلا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی مجموعه دیدگاه ها و آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان (غزالی، ابن سینا، مطهری) و تحلیل و کاربرد آنها بر فعالیت های معلمان و مربیان کشورمان. پایان نامه ارشد. دانشکده علامه طباطبائی. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۴. بهمنش، همایون (۱۳۹۰). رشد از دیدگاه اسلام. <https://hbehmanush.blogspot.com/1390/12/18/post>. ۱۸ اسفند ۱۳۹۰.
۵. پارسا، محمد (۱۳۷۷). روان شناسی رشد کودک و نوجوان. تهران: انتشارات بعثت.
۶. پروچاسکا، جیمز او.، و نورا کس، جان سی (۱۳۹۰). نظریه های روان درمانی. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: انتشارات رشد.
۷. حلبی، علی اصغر (۱۳۶۱). تاریخ فلاسفه ایرانی. تهران: انتشارات زوار.
۸. دیباجی، سید ابراهیم (۱۳۶۴). ابن سینا به روایت اشکوری و اردکانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. رسولیان، علی.، خواجه پور بنادکی، کمال.، و عاصی مذنب، ابوالقاسم (۱۳۹۹). بررسی مفهوم رشد فردی در روایات اسلامی و قرآن. نشریه مطالعات قرآنی، ۴۳ (۱۱)، ۴۹۹-۵۲۵.
۱۰. رفیعی، بهروز (۱۳۹۸). مربیان بزرگ مسلمان. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. شریعتمداری، علی (۱۳۹۰). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. شلبی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ آموزش در اسلام. مترجم: ساکت، محمدحسین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. غفاری، اسلام (۱۳۹۵). بررسی آرای تربیتی ابن سینا در خصوص اهداف تعلیم و تربیت. سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۹۳). تفسیر نور. تهران: دار الکتاب الاسلامیه.
۱۶. کاردان، علی محمد.، ایرانی، حسین.، اعرافی، علیرضا.، حسینی، علی اکبر.، و پاک سرشت، محمدجعفر (۱۳۸۰). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۱۷. کاهانی مقدم، کاظم (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت در اندیشه بوعلی سینا. تهران: انتشارات صبرا.
۱۸. کریمی، یوسف (۱۴۰۱). روان شناسی شخصیت. تهران: نشر روان - ارسباران.

۱۹. مجتبابی، فتح‌الله، خراسانی، شرف‌الدین، و جعفری نائینی، علیرضا (۱۳۵۶). مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۲۰. موسوی، سیده‌الناز، الهی، طاهره، مسجدی آرانی، عباس، سالک ابراهیمی، لیلا، جلیل‌پور، مینا، و شهسواری، زهرا (۱۳۹۷). تطبیق مراحل رشد انسان در روان‌شناسی و نهج‌البلاغه. نشریه پژوهش در دین و سلامت، شماره ۵، ۴۰-۱۳۲.
۲۱. نعمه، عبدالله (۱۳۶۷). فلاسفه شیعه. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش اسلامی.